

## مطالعه کیفی رفتارهای متظاهرانه در بین مردم شهر همدان

اسماعیل بلالی (دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، نویسنده مسئول)

balali\_e@yahoo.com

شهین ایمانعلیزاده (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

imanalizadeh@yahoo.com

### چکیده:

فرهنگ در جامعه ما به همان اندازه غنی و گسترده است که مطالعه آن، فقیر و بسته. صدها خطوط فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که شناخت علمی آنها می‌تواند به حل مسائل اساسی جامعه ما یاری رساند. یکی از این خطوط، رفتار روانی - اجتماعی دورویی است. مفهوم دورویی که وسعت معنایی و کاربردی آن حیرت‌انگیز است، با وجود ظاهر غیراخلاقی آن، دارای کارکردهای عدیده‌ای است. به طوری که یکی از حلقه‌های ناگسستنی زنجیره زندگی ما را تشکیل می‌دهد. در این راستا، این پژوهش کیفی با هدف غایی مطالعه رفتارهای متظاهرانه در بین مردم شهر همدان و با استفاده از طرح نظام‌مند نظریه زمینه‌ای انجام شده است. به این منظور ضمن انجام مصاحبه با ۲۴ نفر از ساکنین شهر همدان، مجموعه‌ای از مضامین اولیه طی فرایند کدگذاری باز گردآوری شدند و از دل آنها مقوله‌هایی تحت عناوین: «مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی»، «مؤلفه‌های روانشناختی»، «مؤلفه‌های اقتصادی» و «مؤلفه‌های ساختاری - سیاسی» استخراج گردید؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند میان این مقوله‌ها ذیل عناوین: شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهکارهای مقابله با رفتارهای متظاهرانه در قالب کدگذاری تعیین شد. در ادامه و در مرحله کدگذاری گزینشی، یکایک اجزای پارادایم کدگذاری تشریح، و دو الگوی «فتارهای متظاهرانه عامل محور» و «رفتارهای متظاهرانه ساختار محور» کشف گردید. نتایج حاکی از آن است که نفاق و دورویی در سطح وسیعی؛ چه فردی و چه اجتماعی، در جامعه وجود دارد و این پدیده، محصول شرایط نامتجانس خانوادگی، محیطی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی غیرمتعادل و گاهی متضاد است. همچنین برطبق یافته‌های پژوهش، شرایط زمینه‌ای چون؛ طبقه اجتماعی، تحصیلات، جنسیت و سن افراد بر روی بروز دورویی و تظاهر تأثیرگذار می‌باشد. چنین شرایطی این استعداد منفی و ناهنجار را در شخص به وجود می‌آورد که برای دستیابی به منافع فردی، همزمان دو و گاهی هم بیشتر از دو شخصیت متضاد را در خود پرورش دهد. بنابراین، سرچشمه و خاستگاه رفتارهای متظاهرانه، از عدم جامعه‌پذیری صحیح و نبود شفافیت و شکاف‌هایی در درون جامعه نسبت به مسائل گوناگون

می‌باشد، و تا این بستر از میان نرود از بین بردن دورویی در جامعه ما، امری محال به نظر می‌رسد. که این مهم، نیازمند مسئولیت‌پذیری و همت تک‌تک آحاد جامعه و مسئولین نظام می‌باشد .

کلیدواژه‌ها: گرندد تئوری، رفتارهای متظاهرانه، نفاق، رفتارهای متظاهرانه عامل محور، رفتارهای متظاهرانه ساختار محور

## مقدمه و طرح مساله

اکثر آدم‌ها صبح که از خواب بیدار می‌شوند، یک نقاب ابر چهره می‌زنند و از خانه خارج می‌شوند. یکی نقاب آدم مهربان، یکی نقاب آدم مرفه، یکی نقاب آدم مؤمن و یکی نقاب آدم راستگو. به راستی چقدر این نقاب‌ها به چهره واقعی آنها نزدیک است؟

اروین گافمن، جامعه‌شناس معروف کانادایی، در نظریه نمایشی می‌گوید: زندگی همانند تئاتر است که روی صحنه و پشت صحنه دارد. مردم باید زمانی که رفتارهایشان را در جامعه ظاهر می‌سازند، جلوی صحنه، وضع مطلوبی ارائه دهند و پشت صحنه زندگی خود را آشکار نسازند (ریتزر، ۱۳۷۴، ۹۳) به عبارت دیگر، همه انسان‌ها لازم است همچون بازیگران، بر صورت خود نقاب‌های مختلفی بزنند و نقش‌های متفاوتی را در طول شبانه‌روز و در مسیر زندگی ایفاکنند. در حقیقت نقاب شخصیت اجتماعی یا نمایشی هرکس است و شخصیت واقعی و خصوصی او در زیر این ماسک قرار دارد. در واقع نمی‌توان از انسان شهرنشین قرن بیست و یکمی انتظار داشت که در همه شرایط و موقعیت‌های زندگی یک شخصیت یکپارچه از خود به جامعه ارائه دهد. زیرا مجموعه نیروهایی که تجارب افراد را می‌سازند متفاوت و گاهی متضاد هم هستند و بین این نیروها و نیروهای کنترل و نظارت‌کننده نیز همسویی و وفاق وجود ندارد. از این رو تفاوت یا تضاد هسته اصلی مفهوم تظاهر و دورویی است و عبارت است از: گفتار در مقابل کردار، اعتقادات متظاهرانه در مقابل اعتقادات واقعی و صادقانه و اعتقادات در مقابل امیال است. هنگامی که این‌ها در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند، دورویی نمایان می‌شود (معیدفر، صفری، ۱۳۹۷).

انسان‌ها برحسب سرشت خود، دارای دو رو هستند؛ یک رو ظاهر افراد و روی دیگر باطن آنهاست. اما مسئله تظاهر و دورویی جایی اتفاق می‌افتد که فاصله زیادی بین این نقاب‌های مختلف با صورت طبیعی افراد به وجود آید. به عبارتی نقاب‌ها باید فاصله‌ای کم و طبیعی با صورت اصلی انسان داشته باشند. وقتی ظاهر و باطن افراد با

یکدیگر همخوانی نداشته باشد و هرکدام به شیوه خودشان عمل کنند، دورویی به وجود می‌آید. یادآوری این نکته لازم است که هرگونه کتمان و ظاهرسازی را نمی‌توان دورویی نامید. انسان بر اثر توانایی طبیعی که دارد چه بسا اسراری را در درون خود پنهان کرده و به کسی اظهار نمی‌دارد و چه بسا ظاهرش بر خلاف آنچه که در وجود اوست جلوه کند اما نام این دورویی و نفاق نیست. این نوعی کتمان پسندیده است، دورویی یعنی باطن بد و نیت بد را به قصد خدعه و فریب مردم، مخفی کردن، جو فروختن و گندم نمایی کردن.

طبق تعریف مفهومی، نفاق نوعی دروغ است که بر پایه آن، فرد نگرشی خاص را وانمود می‌کند تا نزد دیگران خوب یا موجه جلوه کند (هادوی نژاد، بهارلویی، ۱۳۹۷، ۳۹۶).

ریا مفهومی پیچیده و چندوجهی است و عناصری که برای «ریاکارانه» نامیدن یک عمل لازم است، مورد بحث گسترده فیلسوفان قرار گرفته است. برای مثال، فردی که سیگار را نادیده می‌گیرد، ممکن است صمیمانه سعی در ترک سیگار داشته باشد اما شکست بخورد. یا، در در شکلی دیگر، یک فرد صادق ممکن است برای جلوگیری از آسیب رساندن به احساسات یک دوست، یک دروغ کوچک بگوید. اولی بیشتر شبیه یک شکست انگیزی به نظر می‌رسد در حالی که دومی باعث ترویج دوستی می‌شود. این که آیا مردم به طور کلی چنین رفتارهایی را ریاکارانه می‌دانند یا خیر، یک سوال باز است (Alicke, 2012).

طبق اطلاعات منتشرشده از پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)، ۵۸/۶ درصد از پاسخگویان براین باورند که در میان ایرانیان صداقت و راستگویی کم رواج دارد و ۶۸/۲ درصد از پاسخگویان معتقدند که مردم ایران گرفتار خصیصه اخلاقی دورویی و تظاهر می‌باشند. این در حالی است که ۴۶/۶ درصد از پاسخگویان صداقت را مهم‌ترین صفت یک آدم خوب می‌دانند و به نظر ۸۷/۴ درصد از آنها در آینده صفات منفی اخلاقی مثل دورویی، تظاهر، تقلب و کلاهبرداری بیشتر خواهد شد (گودرزی، ۱۳۸۲). همچنین مقایسه یافته‌های پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد که میزان اعتقاد مردم به وجود ارزش‌های اخلاقی در طول سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ کاسته شده؛ و براساس آنها؛ وجود (زیاد) صداقت از ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۴ و ۱۸ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۹ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است (محسنی، ۱۳۸۳). در موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، در ۱۳۹۴، ۷۲/۲ درصد از مردم، میزان رواج دروغگویی را زیاد و خیلی زیاد می‌دانند و میزان کم و خیلی کم آن (که همان وجود صداقت است) ۸/۸ درصد است (جوادی یگانه، ۱۳۹۵). بنابراین نتایج بدست آمده از

پیمایش‌های انجام شده در مورد نگرش‌های ایرانیان طی سال‌های اخیر وجود رفتارهایی چون دورویی و نفاق در سطح جامعه را تأیید می‌کنند. با توجه به مسائل مطرح شده و این که نفاق و دورویی نه تنها زندگی فردی را بی‌مایه و آلوده می‌کند، بلکه به سطح گروه‌ها، نهادها و سازمانهای اجتماعی نیز گسترش می‌یابد و زندگی اجتماعی را نیز با خطر از هم‌گسیختگی روبرو می‌سازد و با توجه به اهمیت و گستردگی موضوع، و اینکه تا کنون پژوهش جامعه‌شناختی خاصی در زمینه دورویی در سطح جامعه صورت نگرفته است، نیاز به انجام پژوهش در این زمینه احساس می‌شود. تا شاید با بررسی علل، ابعاد و پیامدهای این پدیده اجتماعی بتوان راهکارهایی عملی برای مقابله با آن پیدا کرد. از این روی محققین در این پژوهش به مطالعه کیفی رفتارهای متظاهرانه زنان و مردان بالای ۱۸ سال در شهر همدان می‌پردازند. سوالاتی که در این بررسی مدنظر است بدین شرح اند:

تعریف افراد از دورویی چیست؟ علل، زمینه‌ها و بسترهای رفتارهای متظاهرانه در جامعه از دید افراد کدامند؟ راهبردهای افراد در برخورد با افراد متظاهر چیستند؟ پیامدهای این رفتارها برای افراد و جامعه کدامند؟ ادبیات پیشین و چارچوب مفهومی

اغلب محققین کیفی بر این باورند که محقق کیفی نباید درگیر ادبیات پیشین و ادبیات نظری موجود شود زیرا این چارچوبها باعث آلودگی ذهنی محقق و سوگیری قبلی می‌شود. عده‌ای دیگر بر استفاده از آنها برای کشف مفاهیم حساس معتقدند. براین اساس چارچوبهای ارائه شده با این هدف ارائه شده اند. ضمناً در تشریح برخی نتایج به محقق کمک می‌کنند.

بررسی محققین در مطالعات داخلی حاکی از آن بود که تاکنون پژوهشی با عنوان دورویی و رفتارهای منافقانه در سطح جامعه انجام نشده است. اما در خصوص مطالعاتی که نزدیک به حیطه پژوهش حاضر صورت گرفته باشد، می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود :

هادوی نژاد و بهارلویی (۱۳۹۴) پژوهشی کمی در زمینه رفتارهای منافقانه انجام داده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که شرایط علی در میل به مدیریت تصویرپردازی زیاده طلبانه چند سویه در اعضای سازمان در کنار بستر و شرایط مداخله‌گر مدیریتی و سازمانی بر رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین‌فردی در سازمان اثر مثبت دارند؛ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سه متغیر جو سکوت، ارتباطات بین‌فردی سیاسی و ضعف قانونی –

نظارتی، پیشایندهای رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان‌اند و دو متغیر سکوت سازمانی و زوال اعتماد بین فردی، پیامدهای آن محسوب می‌شوند.

نتایج بدست آمده از مطالعه شیری، خلد شرفی، دهقانی، یاسینی (۱۳۹۲) حاکی از آن است که خودشیفتگی مدیران بر رفتارهای ماکیاولی‌گرایانه دارای اثر مستقیم و معناداری است و همچنین خودشیفتگی نیز دارای اثر مستقیم معناداری بر رفتار منافقانه می‌باشد. رفتار ماکیاولی‌گرایانه نیز بر رفتار منافقانه دارای اثر مستقیم و معناداری است.

رضازاده برفویی، مرتضوی، رحیم‌نیا (۱۳۹۲) به بررسی پیش‌بینی‌پذیری پیشرفت شغلی کارکنان از طریق چاپلوسی، و واکاوی دو دسته عوامل فردی و موقعیتی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای فردی یعنی کانون کنترل و ماکیاولیزم بر چاپلوسی از تأثیر معناداری برخوردار بوده‌اند اما از بین دو متغیر موقعیتی شامل سبک رهبری و ابهام نقش، تنها تأثیر متغیر سبک رهبری بر چاپلوسی تأیید شد. کاوش فرایند رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان با استفاده از نظریه ی داده بنیاد توسط هادوی نژاد، دانایی فرد، آذر و خائف الهی (۱۳۸۹) حاکی از آن است که میل به تصویرپردازی زیاده طلبانه چند سویه در اعضای سازمان پدیده اصلی مبین رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان است؛ متأثر از رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان و شرایط مداخله‌گر در بروز آنها، دو دسته پیامد سازمانی و فردی حاصل می‌شود. نخستین پیامد سازمانی، کاهش اعتماد و مخاطرات درهم شکننده آن ضمن ارتباطات بین فردی است. سکوت سازمانی و تکثیر پدیده مورد بررسی، دو پیامد سازمانی دیگر رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان محسوب می‌شوند.

کلیچ اوغلو و کلیچ اوغلو (۲۰۲۱) نقش مشروعیت قانونی و رهبری اخلاقی در سازمان را در رفتارهای متظاهرانه سازمانی برای درک بهتر تبعات آن در محیط مدرسه بررسی نمودند. نتایج مطالعه نشان داد که ادراک معلمان از مشروعیت سازمانی و رهبری اخلاقی اثر معنادار مستقیم و غیر مستقیمی بر ادراکات آنها از رفتار متظاهرانه در سازمان دارد.

مطالعه لورنت و کلارک (۲۰۱۹) به بررسی این نکته پرداخته است که چه عواملی به درک از تظاهر کمک می‌کند. نتایج دو آزمایش نشان داده است که ناهمسازی گرایش - رفتار به عنوان تظاهر در نظر گرفته شده است که ناهمسازی گرایش - رفتار را پیامد خود دارد. نتیجه این مطالعه این بود که تظاهر و دورویی زمانی شدید در نظر گرفته و درک می‌شود که گرایشها به شکلی عمومی به دیگران تحمیل و در تلاش برای نشان دادن برتری اخلاقی ابراز شوند.

گاستنر و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که تظاهر در تمام جنبه های زندگی اجتماعی به وفور یافت می شود. رای دهندگان، عقاید واقعی خود را در صندوقهای رای مخفی می کنند که خود باعث بروز اشکالاتی در پیش بینی نتایج واقعی می شود. مطلوبیت اجتماعی، انگیزه ای عام برای ابراز یک عقیده است. بسیاری از افراد، بدون ایمان راستین وارد کلیساها می شوند و عقاید عامه پسند در مباحث و جلسات ابراز می کنند، و از جریان مادی تبعیت می کنند که بدان علاقه ای ندارند، یا از قواعدی تبعیت می کنند که با آنها موافق نیستند. آنها با مصرف نمایشی خودی نشان می دهند و این کار را از طریق آماده سازی زمینه انجام می دهند در صورتی که کارهای بهتری برای انجام دادن دارند. تمام انواع تظاهر و دورویی باعث ایجاد ناهماهنگی شناختی می شود که به دو شیوه قابل تقلیل است: درونی سازی یا برونی سازی. در شکل درونی سازی، فرد باور یا عقیده ای را که در عموم بیان کرده است، می پذیرد. در حالت برونی سازی، عقیده ای که قبلاً مخفی بوده است به شکلی علنی بیان می شود. در عمل، این امر مستلزم شجاعت یا بیانگری است. اگرچه «علنی سازی» منجر به نارضایتی عمومی می شود اما اغلب برای خود فرد باعث رهایی، وضعیت شناختی و عاطفی مثبت می شود. اقدام و ایجاد یک چهره خنثی برای جلوگیری از افشای نظرات درونی مطمئناً پرهزینه است و فرد با ابراز اعتقاد درونی خود از این هزینه ها رهایی می یابد. اینکه تا چه حد امکان کاهش ناهماهنگی شناختی با درونی سازی یا برون سازی وجود دارد بستگی به زمینه تجربی دارد. به عنوان مثال، بیرونی سازی به ویژه برای عقاید سیاسی در رژیم های سرکوبگر مشکل ساز است، اما در مواقعی که نیاز به آشکار شدن دیدگاه های مختلف مانند بحث های انتقادی دانشگاهی است، به شدت تشویق می شود.

کایولا و فالمولر (۲۰۱۴) به مرور چندین مطالعه اقدام کرده اند که فرضیه ترجیحات اجتماعی را با نشان دادن اینکه رفتار اجتماعی در زمانی کاهش می یابد که رفتار توسط دیگران قابل مشاهده نبوده و انتظارات برای رفتار غیرعادی کاهش یابد، بی اعتبار می سازد.

روستیچینی و ویله وال<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) ریاکاری اخلاقی (که با تناقض بین اصول انصاف و اعمال واقعی اندازه گیری می شود) را در سه بازی و اثر بعدی آن در تعدیل اصول با اعمال مطالعه نمودند. هنجارهایی که جهانی به نظر می رسند قدرت چانه زنی بازیکنان را بیشتر لحاظ می کنند. افراد، اصول خود را پس از انجام بازی برای پول واقعی در قیاس با اظهارات اولیه خود تعدیل می کنند، اما این اتفاق فقط فقط در بازی هایی اتفاق می افتد که انتخاب ها هیچ پیامد استراتژیکی ندارند. ریاکاری اخلاقی در بین افراد خودخواه و قدرتمندتر رایج است. از اینرو، به نظر می رسد ریاکاری اخلاقی در تلاش برای ایجاد تعادل بین خودانگاره و راحتی ایجاد بوجود آمده باشد.

لارسون (۲۰۱۳) با به کارگیری مفهوم نئونهادی ریاکاری سازمانی، استدلال می کند که ایده ها و اعمال می توانند عمداً ناسازگار باشند، همانطور که در مطالعات موردی نشان داده شده است، که در آن همگرایی ایده ها در یک جهت باعث واگرایی عمل در جهت های دیگر می شود. بنابراین، بحث تک بعدی در مورد خوب یا بد بودن همگرایی برای سازمان های غیرانتفاعی باید با تحقیقاتی تکمیل شود که شامل روش هایی است که ایده ها و اعمال می توانند در سازمان های غیرانتفاعی به هم مرتبط شوند و از آنها استفاده شود.

آلیکه، گوردون و رُز (۲۰۱۲) معتقدند برخلاف رذایل و کاستی های انسانی که در میان افراد معدودی مشترک است، بسیاری از مردم طعمه تظاهر و ریا می شوند. وفادار ماندن بی وقفه به اصول شخصی امری سخت است و حتی بهترین ما از این ایده آل ها کوتاهی می کنیم. از این حیث، ریاکاری احتمالاً در مجموعه رفتارهای بد، از حیث بد بودن، نرخ گذاری بیشتری می شود.

هدف تحقیق موررونگیللو و مارک<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) که مبتنی بر مداخله از نوع تظاهر القایی بوده است این بوده که نیات کودکان برای نشان دادن رفتارهای مرتبط با خطر و نیز سقوط از تجهیزات در زمین بازی را کاهش دهد. این مداخله منجر به کاهش قابل توجهی در رفتارهای پرخطری شد

کاکمار و همکاران (۲۰۰۴) تأثیر دو دسته عوامل موقعیتی (ابهام نقش، رابطه رهبر - عضو) و متغیرهای غیر موقعیتی یا فردی (عزت نفس، نیاز به قدرت، مشارکت شغلی، کمرویی) را بر بروز رفتار چاپلوسانه در سازمان بررسی کردند. یافته های آنها حاکی از آن است که عوامل فردی یا غیرموقعیتی بیشتر از عوامل موقعیتی بر بروز رفتار چاپلوسانه کارکنان در سازمان تأثیر می گذارد.

مطالعه فرناندز- رویولتا پرز و رابسون (۱۹۹۹) ناسازگاری های بین انتظارات ایجاد شده در کارکنان در اثر گفته های مدیران سازمان، و آنچه در عمل به کارکنان پرداخت می شود، را محصول سه عامل محتمل می داند: سخنی که موجب توافق هایی غیررسمی شده است؛ تصمیم هایی که خط مشی هایی رسمی را با خود به دنبال داشته اند؛ و یا کنش هایی که بازیگران سازمان انجام می دهند، اما با آنچه رسماً موافقت خود را با آن اعلام کرده اند، یا به طور غیررسمی به آن اذعان داشته اند، مغایر است.

آرگریس و شان<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) معتقدند که ما مجموعه ای از دستورات عملی ها را در مغز خود داریم که به اطلاع رسانی از آنچه ما طرفدار آن هستیم کمک می کند. ما برنامه دیگری در مغز خود داریم که به ما دستور می دهد چه کار کنیم. این دو برنامه با هم هماهنگ و همخوان نیستند

طبق نظر برانسون (۱۹۸۹) ریاکاری - یا رویه ترکیب ساختارها، فرآیندها و ایدئولوژی های مختلف سازمانی برای استفاده داخلی و خارجی - یکی از ویژگی های مهم سازمان های قابل دوام در جوامع مدرن و روشی طبیعی و مؤثر برای دستیابی به مشروعیت سازمانی در دنیایی است که سازمان ها در معرض تعداد فزاینده ای از هنجارها و خواسته های متناقض و متضاد هستند.

لیندن و میتچل (۱۹۸۸) دریافته اند که در سازمان هایی که دارای سیاست های پرسنلی کمی هستند و یا در سازمان هایی که این سیاست ها در آنها وجود دارد اما به نحو مطلوبی کنترل و نظارت نمی شوند، رفتار خودشیرینی بیشتری وجود دارد.

اولین تحقیقات انجام شده توسط کر<sup>۵</sup> (۱۹۷۵) به این نتیجه رسیدند که سیستم های پاداش سازمانی رفتارهایی را ترویج می کنند که با رفتارهای شرکت متناقض است و ارزش های اعلام شده می تواند ادراک ریاکاری گروه های ذینفع را افزایش دهد. .

#### چارچوب مفهومی

طبق تعریف مفهومی دورویی (نفاق)، تظاهر فرد به داشتن ارزش هایی است که به آنها باور ندارد و در رفتارهایش انعکاس نمی یابد، و در تضاد با صداقت و یک رنگی است که از ارزش های اخلاقی مورد قبول جامعه به شمار می رود.

روش های کیفی از چارچوب های نظری صرفا برای یافتن مفاهیم حساس بهره می گیرند و مثل روشهای کمی قالبهایی از پیش ساخته نیستند. براین اساس برخی تئوری های ذکر شده در اینجا بدین منظور استفاده شده اند. لازم به ذکر است که این پدیده را می توان از تئوری های مختلف روانشناختی و جامعه شناختی و ... می توان تحلیل نمود. همچنین تئوری های انحرافات و جرم نیز برای تشریح این پدیده قابل استفاده هستند. برای پرهیز از اطاله کلام برخی از چارچوبهای مفهومی به طور خلاصه در زیر ذکر شده اند:

نظریه «فشار ساختاری»، ساختارهای اجتماعی نامناسب را عامل ایجاد و تشدید فقر تحمیلی بر فرد می دانند. این نوع فشار اجتماعی موجب عدم موفقیت فرد در دستیابی به اهدافش در زندگی می گردد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۴). به نظر مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل

---

<sup>۴</sup>Argyris & Schon

<sup>۵</sup>Steven Kerr



انباشت ثروت و تحصیلات علمی بعنوان مهمترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده و کسی که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (قربانی، فیض‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

الیزابت هارلوک منشاء نژندی و نابهنجاری را در محیط فامیلی و در ساختارهای خانوادگی جستجو می‌کند و آن را معلول نحوه تربیت، مکانیسم‌های جامعه‌پذیری خانواده و نیز چگونگی و کیفیت رشد شخصیت کودک در خانواده می‌داند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۷۱)

میلر کژرفتاری را نوعی واکنش افراطی می‌داند که با مناسبات فرهنگی فرهنگ فرعی طبقه پایین جامعه ارتباط دارد و در طی سالیان متمادی پیدایی و استمرار یافته است (هارولامبوس، ۱۳۷۰: ۲۷-۲۶).

در نظریه فریب بین فردی<sup>۶</sup> (IDT)، فریب به عنوان عملی عمدی تعریف می‌شود که در آن فرستنده ها آگاهانه پیام‌هایی را ارسال می‌کنند که قصد دارند یک باور نادرست یا تفسیر توسط گیرنده را تقویت کنند Burgoon (& Buller, 2015).

شوارتز (۲۰۰۹) معتقد است اساس بازاریابی هنجارهای اجتماعی بر یک فرض ساده و در عین حال قدرتمند استوار است. رفتار یک فرد به شدت تحت تأثیر آنچه که او «طبیعی» در نظر می‌گیرد، قرار دارد. اگر فردی باور داشته باشد که رفتارش طبیعی است، به رفتار خود مطابق با هنجار ادامه خواهد داد. با این حال، مردم اغلب در مورد چیزی که طبیعی است مبالغه می‌کنند، و این تصور نادرست می‌تواند مشکل ساز باشد اگر آنچه که رفتار عادی تلقی می‌شود در عمل رفتار ناسالم یا خطرناکی باشد.

به گفته فستینگر، انسان‌ها دارای شناخت‌های بیشماری هستند. ازواج شناخت‌ها (عناصر دانش) می‌توانند به یکدیگر مرتبط یا بی‌ربط باشند. اگر دو شناخت با یکدیگر مرتبط باشند، یا همخوان هستند یا ناهماهنگ. دو شناخت اگر یکی از دیگری پیروی کند همخوان هستند و اگر بر عکس (یا نقطه مقابل)، ناهماهنگ هستند. از نظر روانی ناخوشایند بودن وجود ناهماهنگی، به فرد انگیزه می‌دهد تا ناهماهنگی را کاهش دهد. هر چه میزان ناهماهنگی بیشتر باشد، فشار برای کاهش ناهماهنگی بیشتر می‌شود. (SCHWARTZ, 2009)

---

<sup>۶</sup>Interpersonal Deception Theory

پارادایم ریاکاری القایی مبتنی بر نظریه ناهماهنگی است و چنین بیان می کند که زمانی که شخصی چیزی را توصیه می کند اما چیز دیگری را انجام می دهد، احساس ناهماهنگی را تجربه می کند. از آنجایی که این گونه احساسات ناسازگار یا ریاکارانه ناخوشایند هستند و خودپنداره را تضعیف می کنند، فرد انگیزه می یابد که رفتار خود را تغییر دهد تا این احساسات منفی را کاهش دهد (Morrongiello & Mark, 2008).

برجسته بودن اختلاف بین آنچه که توصیه می شود و آنچه انجام شده است (در گذشته ای نزدیک) باعث ایجاد احساس نفاق (یعنی ناهماهنگی) می شود. تغییر رفتار بعدی در راستای گفتار هنجاری، ساده ترین راه برای کاهش حالت ناراحت کننده ریاکاری است. (Fointiatv, 2007)

هزینه ذاتی ریاکاری ناهماهنگی شناختی یا تنش است که وقتی باورها و رفتار یک کنشگر یا هم ناسازگار است به وجود می آید. نفاق فردی، اگر در سطح گروه درمان نشود، ممکن است به دلایل مختلف منجر به خروج افراد از گروه در بین دو گروه مختلف از طرفداران شود. اولین دسته از طرفدارانی که از گروه خارج می شوند کسانی هستند که با هنجارهای گروهی مطابقت دارند اما احساس می کنند که تجربه آنها در نتیجه ریاکاری دیگران بی ارزش شده است. دومین دسته از طرفدارانی که ممکن است از گروه خارج شوند، خود منافقان هستند. افرادی که ناهماهنگی اخلاقی را در نتیجه تنش بین باورها و رفتار خود تجربه می کنند، ممکن است به دنبال کاهش این تنش از طریق تلاش های سطح فردی باشند، یعنی ممکن است به دنبال تغییر باورهای خود برای مطابقت با رفتار خود باشند. (Wollschleger, 2011)

تئوری خودگرایانه می گوید که محکومیت اخلاقی با هدف دستیابی به نوعی منفعت شخصی برانگیخته می شود. نظریه های خودگرایانه مختلف انگیزه های منفعت خواهانه متفاوتی را در زمینه رفتار محکوم کننده مطرح می کنند. سه دیدگاه برجسته معتقدند که محکوم کنندگان به دنبال منافع مادی، شهرت و تفنن هستند (Kenessey & Darwall, 2014).

نظریه بازدارندگی محکومیت می گوید که رفتارهای محکوم کننده با هدف بازدارندگی افراد از رفتارهای غیراخلاقی آینده ایجاد می شود. مزایای بازدارندگی، توجیهی جذاب برای رفتار محکوم کننده ارائه می دهد (Kenessey & Darwall, 2014).

از دیگر تبیین ها برای توضیح ریاکاری، نظریه تایید است. صریح ترین و مستقیم ترین استدلال ها برای نظریه تایید در سوابق پژوهشی مبتنی بر دو یافته تجربی است: اثر نفاق اخلاقی و اثر تجویز اخلاقی. یافته مرتبط با اثر نفاق اخلاقی بازگو کننده این قضیه است که افراد تحت شرایط خاصی تلاش خواهند کرد تا اخلاقی جلوه

کنند بدون اینکه هزینه های عمل اخلاقی واقعی را تقبل نمایند. تایید کننده ی اثر مجوز اخلاقی نیز این یافته است که افراد بلافاصله پس از درگیر شدن در رفتاری که آنها را اخلاقی جلوه می دهد رفتار اخلاقی کمتری از خود نشان می دهند. افراد بیشتر از اینکه واقعاً اخلاقی باشند، برای اخلاقی جلوه دادن انگیزه دارند (Kenessey & Darwall, 2014).

برای تحلیل تظاهر نظریه بازی نقش نیز می تواند مفید باشد. گافمن در این خصوص می گوید :

«فعالیت ما ... تا حد زیادی با مسائل اخلاقی مرتبط است، اما به عنوان مجریان نقش، دغدغه اخلاقی با آنها نداریم. ما به عنوان مجریان نقش، سوداگران اخلاق هستیم.» شکلی پراگماتیک از ریاکاری وجود دارد که در آن افراد به نفع خود تعهد اخلاقی را دستکاری می کنند. مردم ممکن است سوداگر اخلاق باشند به این معنا که راه اخلاقی عالی را در مقابل دیگران در پیش می گیرند، اما زمانی که سود مادی به اندازه کافی زیاد است (مثلاً در اظهارنامه مالیاتی) از اخلاق خود تعدی می نمایند (Lindenberg et al, 2018).

براساس نظریه ریاکاری لذت جویانه<sup>۷</sup>، مردم دوست دارند در مورد هنجارهای اخلاقی خودشان، حس اخلاقی بودن داشته باشند. آنها زمانی که با انتخاب های روشن در مورد «درست» یا «نادرست» مواجه می شوند، اخلاقی عمل می کنند، اما از هرگونه ابهام یا انعطاف پذیری در مورد درست یا نادرست بودن سوء استفاده می کنند تا رفتاری خودخواهانه داشته باشند و آن را به گونه ای تفسیر کنند که همچنان احساس اخلاقی بودن کنند. (Lindenberg et al, 2018).

از دیدگاه زیمل مردم برخلاف هر متعلق شناخت دیگری، این ظرفیت را دارند که عمداً حقیقت را درباره خودشان فاش کنند یا دروغ بگویند و یا چنین اطلاعاتی را مخفی کنند. واقعیت این است که حتی اگر افراد بخواهند همه چیز را فاش کنند، نمی توانند چنین کنند، زیرا اطلاعات بسیار زیاد همه را دیوانه می کند؛ بنابراین مردم باید چیزهایی را که برای دیگران شرح می دهند انتخاب کنند (مجبی ۱۳۹۹).

جمع بندی پیشینه

اغلب مطالعات انجام شده در مورد رفتار متظاهرانه در مورد رفتار کارکنان سازمان ها و بررسی علل این رفتارها در سازمان انجام شده اند. برخی مطالعات به شیوه های مدیریت، برخی به شخصیت افراد، عملکرد درونی در سازمانها پرداخته اند. برخی دیگر به پیامدهای ریاکاری در سازمانها اشاره نموده اند. اغلب مطالعات با رشته مدیریت مرتبط هستند و مطالعاتی در حوزه جامعه شناسی سازمانها انجام نشده است؛ اگرچه رگه هایی از جامعه

---

<sup>۷</sup>theory of hedonic hypocrisy

شناسی سازمان نیز می توان در آنها یافت. مطالعات اندکی نیز از زاویه روانشناسی و روانشناسی اجتماعی انجام شده اند. در بیشتر مطالعات، ریاکاری و رفتار متظاهرانه در سازمانها و افراد شایع است و به اعتقاد برخی نظریه پردازان اغلب افراد ظرفیت بی اخلاقی و تظاهر را دارند و در صورت بروز شرایطی به آن اقدام می کنند. علل این رفتارها در نظریات مختلف ذکر شده اند. برخی نظریه پردازان جبرهای ساختاری را برجسته می کنند. این جبرها به ساختار جوامع مرتبط هستند. بخشی به فرهنگ و بخش دیگری به نوع جامعه پذیر کردن افراد مربوط می شوند. برخی حتی از طبیعی بودن آن در جامعه و کارکرد آن برای جامعه سخن به میان می آورند. نظریه پردازان دیگری هم هستند که عوامل فردی و نفع های شخصی را برجسته تر می کنند و شرایط اجتماعی را تسهیل کننده یا مانع بروز این رفتارها می دانند.

با توجه به اینکه روش تحقیق حاضر کیفی است نظریات ذکر شده بیشتر در جهت ایجاد و تقویت حساسیت نظری بکار گرفته شده اند. توجه به شرایط ساختاری و فردی، نگرشی و اجتماعی لازم بود. بر این اساس سوالاتی در زمینه این عوامل و نقش آنها در ایجاد و تقویت رفتار متظاهرانه طراحی شدند. همچنین از این نظریات برای ایجاد مفاهیم و مقولات در دسته بندی های علی، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه ای استفاده شده است. بر این اساس این پیشینه ها و نظریات، به ارتقای حساسیت نظری کمک نموده است.

#### روش تحقیق

بررسی رفتارهای متظاهرانه به علت پیچیدگی ها و ماهیت خاص آن نیازمند مطالعه عمیق می باشد که با پژوهش کمی نمی توان به این مهم دست یافت در نتیجه برای بررسی این موضوع نیازمند پژوهش کیفی هستیم. از میان انواع روشهای کیفی، روش نظریه زمینه ای در این پژوهش بکار رفته است. خصوصیات این روش عبارتند از: نمونه گیری نظری، حساسیت نظری و اشباع نظری. در تحلیل مبنایی این روش نیز سه شیوه کدگذاری نظری؛ یعنی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در انتها کدگذاری گزینشی به تدریج انجام می شود.

شیوه کار بدین صورت بود که ابتدا مقولات اولیه براساس کدگذاری نظری انجام شد. سپس این مقولات با کدگذاری محوری به مقولات محوری تبدیل شدند. در نهایت این مقولات محوری در قالب مقوله هسته جمع شدند.

لذا در پژوهش حاضر به گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه ای عمیق پرداخته شده است. زیرا در مصاحبه‌های ساخت‌نیافته عمیق<sup>۸</sup> که طراحی بازی دارند، احتمال بیشتری می‌رود که فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را بیان کند تا در مصاحبه‌های استاندارد یا آن‌هایی که به کمک پرسشنامه انجام می‌گیرند. در این روش از چهار معیار در طول طراحی راهنمای مصاحبه و اجرای خود مصاحبه استفاده می‌شود: فاقد جهت بودن، مشخص بودن، دامنه و عمق و زمینه شخصی به نمایش درآمده توسط مصاحبه‌شوندگان. از آنجا که در روش نظریه زمینه‌ای طرح سؤال از اهمیت اساسی برخوردار است، جهت انجام مصاحبه‌ها، ابتدا با توجه به اهداف پژوهش، و مطالعه ادبیات موجود در زمینه تحقیق مفاهیم اساسی و حساس مشخص گردید. سپس به تدوین سؤالات اولیه مصاحبه پرداخته شد. در آغاز کار برای آشنایی با فضای مصاحبه و تدوین سؤالات نهایی، به مصاحبه با دو نفر از شهروندان همدانی پرداخته شد. مصاحبه‌های انجام شده در همه موارد به جز یک مورد که به صورت تلفنی انجام گردید، به صورت حضوری و رودررو و با استفاده از دستگاه ضبط صدا انجام شد. پس از انجام مصاحبه‌ها، هر یک از مصاحبه‌ها بلافاصله پیاده‌سازی و تایپ شد. و سپس مورد کدگذاری و تحلیل اولیه قرار گرفت. در آغاز هر مصاحبه، ضمن معرفی خود و ارائه کارت به مشارکت‌کنندگان و مطرح کردن هدف تحقیق، به جلب رضایت مشارکت‌کنندگان و ایجاد اطمینان و اعتماد آنها برای انجام مصاحبه اقدام می‌شد که در برخی مواقع این کار موفقیت‌آمیز نبود. بعد از یافتن زمان و مکان مناسب برای مصاحبه، در ابتدا از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد سن، تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل و محل سکونت خود را بیان نمایند. و در ادامه مصاحبه با طرح پرسش‌هایی نظیر: "چه رفتارهایی را دورویی تعریف می‌کنید"، "میشه مثالی در این مورد بزنید"، "فکر می‌کنید افراد دورو چرا اینکار رو انجام میدن"، "خودتون تو چه موقعیت‌هایی تظاهر می‌کنید" آغاز و سپس مصاحبه با طرح حدوداً ۲۵ سؤال از مشارکت‌کنندگان هدایت شد. و در پایان مصاحبه با طرح پرسش‌هایی نظیر "دورویی چه تبعاتی تو جامعه ما داشته"، "شما چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید که دورویی در جامعه ما کمتر بشه" و "چقدر خودتون رو آدم مذهبی می‌دونید" به پایان رسید.

انتخاب میدان تحقیق (موقعیت‌ها و مکان مطالعه)، بر اساس میزان دسترسی و رضایت مشارکت‌کنندگان صورت گرفت. بدین صورت که به مکان‌ها و موقعیت‌ها و کنشگران مختلفی مراجعه می‌شد تا تنوع و تفاوت پاسخ‌ها درک شود. در این راستا، شهر همدان به سه منطقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شد و جهت انجام مصاحبه، به مناطق مختلف شهر مراجعه شد. این مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلفی چون مسجد، امامزاده‌ها (شازده حسین و امامزاده خضر)، مغازه‌های مختلف مثل؛ آرایشگاه، لباس زنانه فروشی، خیاطی و...، پارک‌ها، دانشگاه پیام نور

---

<sup>۸</sup>Deep constructed interviews

همدان، مطب پزشکی، مدرسه، خانه بهداشت، داخل اتومبیل، کنار بساط دستفروش ها و درب منزل مشارکت کنندگان انجام گرفت. این کار مستلزم این بود که برای جمع آوری داده های اولیه در زمان ها و ساعات مختلف، اقدام به مصاحبه شود. مصاحبه های پژوهش حاضر از ۲۴ نفر از اهالی ساکن شهر همدان و از بین سنین بالای ۱۸ سال تا سن ۸۲ سال جمع آوری شد. مدت زمان هر مصاحبه، برطبق فرصتی که مصاحبه شونده ها داشتند، برای هر شخص به طور متوسط از ۳۰ دقیقه تا ۲ ساعت متغیر بود. در چند مورد با اضافه شدن سؤالات جدید، مصاحبه در ۲ نوبت انجام شد. همه مصاحبه ها با رضایت مصاحبه شونده ها، ضبط شده و در مرحله بعدی اقدام به پیاده سازی مصاحبه ها گردید. پیاده سازی هر مصاحبه نیز عمدتاً بین ۳ تا ۶ ساعت به طول انجامید.

در این پژوهش، انتخاب افراد با استفاده از شیوه نمونه گیری نظری و هدفمند که مختص تحقیقات کیفی است صورت پذیرفت. در روش مذکور، نمونه گیری بر مبنای مرتبط بودن<sup>۱</sup> با موارد تحقیق انجام می گیرد نه نمایا بودنشان. نمونه گیری هدفمند<sup>۲</sup> نیز به این مفهوم می باشد که پژوهشگر به طور هدفمند با افراد آگاه و مطلع درباره موضوع، مصاحبه می کند. در گام اول اقدام به مشخص کردن سه طبقه اجتماعی - اقتصادی شهر شد. این تقسیم بندی شامل منطقه بالا (کوی متخصصین، سعیدیه، خیابان هنرستان، خیابان مهدیه، میدان بعثت، خیابان طالقانی)، منطقه متوسط (شهرک چمران، پیشاهنگی، جوادیه، شهرک مدرس، میدان سنگ شیر، خیابان کرمانشاه، جاده دره، شهرک فرهنگیان) و منطقه پایین (شهرک مدنی، خیابان شهدا، شهرک اندیشه، کوی خضر، شهرک ولیعصر) می باشد. در انتخاب نمونه پژوهش سعی شده است تا با حداکثر تنوع<sup>۳</sup> و با در نظر گرفتن ویژگی های متفاوت اقدام به نمونه گیری شود. در این راستا وی به سطح تحصیلات نمونه تحقیق نیز توجه داشت که شامل افراد بی سواد، دارای تحصیلات دوم نهضت، پنجم ابتدایی، سیکل، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا می باشد. همچنین به علت تنوع گویش های مختلف در سطح شهر، سعی بر آن شد که مشارکت کنندگان از نظر زبان و گویش متفاوت باشند. که این افراد شامل افراد فارس زبان، ترک زبان، کرد زبان و لر زبان می باشند. سعی بر آن بود که مشارکت کنندگان به تناسب هم از بین زنان و هم مردان و با سنین مختلف از ۱۸ سال تا ۸۲ سال انتخاب شوند. در این پژوهش به خاستگاه شهری و روستایی افراد نیز توجه شده است. مشارکت کنندگان از بین مشاغل مختلف شامل، آرایشگر، خیاط، راننده تاکسی، استاد دانشگاه، جوش کار، دستفروش، گچ کار، کارمند، تابلوساز، دندانپزشک، خانه دار، کشاورز، بنکدار، ساندویچی، فروشنده لوازم یدکی انتخاب شده اند. لازم به ذکر است؛ این گزینش بر اساس میزان دسترسی و همچنین همکاری و رضایت

---

<sup>۱</sup>Relevance

<sup>۲</sup>Purposive sampling

<sup>۳</sup>Maximum variation

مشارکت‌کنندگان در پاسخگویی به سؤالات است. در گام بعدی پس از انجام مصاحبه‌ها، مشخص می‌گردید که در مرحله بعدی باید به سراغ چه کسانی رفت. در مراحل بعدی پرسش‌های جدیدتر و پیچیده‌تری در مصاحبه‌ها مطرح می‌گردید. پرسش‌های مطرح شده در افراد مختلف، متفاوت بود. مصاحبه پژوهش با ۲۴ نفر از اهالی شهر همدان تا رسیدن به تأیید و اشباع نظری<sup>۲</sup>، یعنی تا جایی که با مصاحبه جدید دیگر بینشی افزوده نگردد و مفهوم جدیدی کشف نشود، ادامه داشت.

#### خصوصیات فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد مصاحبه شوندهگان	سن	جنس		تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	محل سکونت	طبقه	گوش	خاستگاه
		مرد	زن							
۱	۴۴	احمد		بی‌سواد	باغدار	متاهل	شهرک اندیشه	پایین	فارسی	روستایی
۲	۲۵	سمیرا		دیپلم	آرایشگر	عقد کرده	کوی متخصصین	بالا	فارسی	شهری
۳	۳۵	ریحانه		فوق لیسانس	خانه‌دار	متاهل	سعیدیه پایین	بالا	فارسی	شهری
۴	۴۱	راضیه		پنجم ابتدایی	خانه‌دار	متاهل	کوی خضر	پایین	کردی	روستایی
۵	۳۸	رضا		سیکل	گج‌کار	متاهل	شهرک فرهنگیان	متوسط به پایین	ترکی	روستایی
۶	۵۲	مجید		دکتر	دندانپزشک	متاهل	خیابان طالقانی	بالا	فارسی	روستایی
۷	۲۳	حسین		پنجم ابتدایی	دست فروش	مجرد	خیابان شهدا (سرایداری)	پایین	فارسی	روستایی
۸	۸۲	محمد		بی‌سواد	بنک‌دار	متاهل	خیابان مهدیه	بالا	فارسی	شهری
۹	۳۶	سارا		دیپلم	فروشنده	متاهل	جاده دره	متوسط	فارسی	شهری
۱۰	۳۳	پوریا		لیسانس	کارمند	مجرد	شهرک چمران	متوسط	فارسی	شهری
۱۱	۶۵	عیسی		سیکل	کارمند بازنشسته	متاهل	شهرک مدنی	پایین	کردی	روستایی
۱۲	۵۰	فریبا		سیکل	خیاط	همسر	خیابان	متوسط	فارسی	شهری

<sup>۲</sup>Theoretical saturation

			کرمانشاه	فوت کرده						
شهری	فارسی	متوسط به بالا	شهرک مدرس	مجرد	تابلو ساز	دانشجو	امید		۲۲	۱۳
روستایی	کردی	پایین	کوی خضر	متاهل	ساندویچی	بی سواد	غلامرضا		۵۶	۱۴
روستایی	لری	پایین	شهرک مدنی	متاهل	خانه‌دار	لیسانس	صدیقه		۴۲	۱۵
شهری	فارسی	متوسط به پایین	سنگ شیر	متاهل	خانه‌دار	دوم نهضت	طاهره		۶۴	۱۶
شهری	لری	بالا	خیابان مهديه	نامزد	دانشجو	دانشجو	ناهید		۲۲	۱۷
روستایی	فارسی	بالا	میدان بعثت	متاهل	استاد دانشگاه	دکترا	صادق		۵۴	۱۸
روستایی	فارسی	پایین	شهرک اندیشه	متاهل	راننده تاکسی	سیکل	ایرج		۴۰	۱۹
روستایی	ترکی	پایین	کوی خضر	متاهل	خانه‌دار	دوم نهضت	اکرم		۴۷	۲۰
روستایی	ترکی	متوسط	جوادیه	مجرد	کار در دفتر روزنامه	فوق لیسانس	راحله		۳۲	۲۱
روستایی	ترکی	پایین	شهرک ولیعصر	متاهل	جوشکار	دیپلم	عباس		۳۶	۲۲
شهری	فارسی	متوسط	پیشاهنگی	متاهل	فروشنده لوازم یدکی	دیپلم	مصطفی		۶۱	۲۳
شهری	فارسی	بالا	خیابان هنرستان	متاهل	خانه دار	لیسانس	فاطمه		۳۴	۲۴

در پایایی این پژوهش، جهت تأیید علمی آن، از دو استراتژی اعتبارسنجی کرسول استفاده شده است. استراتژی اول مرور یا بازخورد هم‌تایان می‌باشد. که به معنای ارزیابی استاد راهنما که به وسیله نظارت بر تمام مراحل پژوهش به اعتبارسنجی آن پرداختند. همچنین در طی انجام پژوهش همواره نظرات استاد راهنما در خصوص نقاط ضعف، نقاط قوت، مشابهت‌ها و تفاوت‌ها به احصاء دیدگاه‌های ایشان در مورد کل فرایند پژوهش پرداخته شد و اصلاحات لازم بر مبنای نظر ایشان اعمال گردید و الگوهای پژوهش بازنویسی و سازماندهی شد.

استراتژی دوم، اعتبارسنجی توسط مشارکت کنندگان می‌باشد. بدین صورت که در روش اطمینان‌پذیری، با کسب اجازه از مشارکت کنندگان، از همان ابتدای مصاحبه‌ها اقدام به ضبط مصاحبه به طور کامل شده و سپس



هنگام پیاده‌سازی، آن‌ها کلمه به کلمه و دقیق نوشته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مرحله بعد کدگذاری مرحله به مرحله انجام شده است. در تحلیل یافته‌ها نیز مشخص گردیده است که کدام گزاره (داده) توسط محققین و کدام گزاره توسط مشارکت‌کنندگان صورت گرفته است. همچنین برای تضمین اعتبار فرایند تحقیق، تا سرحد امکان از صحبت کردن در میدان خودداری شده و در عوض بیشتر به سخنان مشارکت‌کنندگان گوش داده شده است. همچنین برای ارزیابی اعتبار پژوهش از روش ارتباطی استفاده شده است. بدین صورت که پس از مصاحبه و پیاده کردن متن، به جز چند مورد خاص، که دسترسی به مشارکت‌کنندگان ممکن نبود، متن کامل مصاحبه به دو صورت دیدار مجدد با مشارکت‌کنندگان و یا از طریق ارسال فایل مصاحبه از طریق تلگرام در اختیار اکثر مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و موافقت آنها با محتویات اظهاراتشان اخذ گردید. دلیل اعتبارسنجی توسط مشارکت‌کنندگان، بدین دلیل است که بتوان نتایج بدست آمده میدانی را مورد قضاوت آنان قرار داد.

### یافته‌های پژوهش

در این بخش، کوشش برآن است که با توجه به یافته‌های حاصل از میدان پژوهش، به پرسش‌های آن مبنی بر شناسایی نگرش و تعاریف متداول در بین ساکنین شهر همدان دربارهٔ دورویی و رفتارهای متظاهرانه و همچنین علل، چگونگی و پیامدهای (آثار و عواقب) این رفتار با توجه به جنسیت، زمینه طبقاتی، تحصیلات و مشاغل و موقعیت‌های متفاوت و سنین مختلف، پاسخ داده شود. براساس مصاحبه‌های انجام شده، چهار مقوله اصلی تحت عنوان «دلایل فرهنگی»، «دلایل روانشناختی»، «دلایل اقتصادی»، «دلایل سیاسی» بدست آمد. این مقولات حاکی از آن است که در علل و پیامدها و راهکارهای مقابله با رفتارهای متظاهرانه، با توجه به دلایل ذکر شده تفاوت وجود دارد، و این تفاوت‌ها زمینه شکل‌گیری الگوهای مختلفی می‌باشد. الگوهای رفتارهای متظاهرانه بدست آمده در این پژوهش، دو نوع می‌باشد. نوع اول آن تحت عنوان «رفتارهای متظاهرانه عامل محور» و نوع دوم تحت عنوان «رفتارهای متظاهرانه ساختار محور» می‌باشد. دستیابی به این الگوها براساس نگرش، علل و چگونگی بروز رفتارهای متظاهرانه در بین مردم می‌باشد. به طوری که هر یک از آنها نیز در موقعیت‌ها، و طبقات مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است. در ادامه به شرح هر یک از الگوهای رفتارهای متظاهرانه، با توجه به مقوله‌های کشف شده در مورد افراد نمونه مورد بررسی خواهیم پرداخت.

تعریف از دورویی

اکثر افراد با تحصیلات دیپلم به بالا تعاریف درست‌تری از دورویی ارائه می‌دادند. این افراد به راحتی می‌توانستند مرز بین دورویی با سایر خصایل اخلاقی را تفکیک نمایند. ولی اکثر افراد با تحصیلات زیردیپلم، تعاریف مشابهی

از دورویی داشتند، که گاهاً با غیبت کردن همپوشانی داشت. به طوری که این اشخاص، افرادی را دورو می‌دانستند که پشت سر دیگران اقدام به بدگویی می‌کنند. برخی از افراد ساکن در مناطق پایین شهر و فاقد تحصیلات دانشگاهی، دورویی را معادل دوبه هم زنی می‌دانستند. از دید این افراد، اشخاص دورو همان افراد دو به هم زنی هستند که اقدام به ایجاد تفرقه و برهم زدن رابطه افراد با یکدیگر می‌نمایند.

باید توجه داشت که دورویی در خلاء صورت نمی‌گیرد و همبسته‌هایی دارد که آن را همراهی می‌کنند. به طوری که وقتی از برخی مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شد که از افراد دورویی که در اطرافیان خود دیده‌اند مثال بزنند، بسیاری از آنها مثالهایی از افراد دروغگو، سخن‌چین، خیانت‌کار، پنهان‌کار، بی‌ملاحظه، چاپلوس و ... می‌زدند.

ناسازگاری با درون آدم و خود واقعی نبودن	مغایرت ظاهر و باطن	تعاریف افراد دارای تحصیلات دانشگاهی	تعاریف دورویی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان
نشون دادن چیزی که دراصل اون نباشی	داشتن رفتار مغایر در پشت و جلوی صحنه		
پنهان شدن در پشت نقاب و کتمان کردن خود واقعی	عدم انطباق شخصیت واقعی با شخصیت ظاهری		
داشتن رفتار متناقض	مغایرت گفتار با رفتار (عمل)		
آدم دووجهی و دوشکلی	دو شخصیتی بودن ( نشان دادن شخصیت خوب و پنهان کردن شخصیت بد )		
ایجاد تفرقه	دوبه هم زن	تعاریف افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی	
خود شیرین	آتش بیار معرکه		
کسی که روبروی افراد از آنها تعریف و تمجید می‌کند و پشت سرشان اقدام به بدگویی می‌نماید	کسی که در روبرو با آدم خیلی خوب است، پشت سر آدم حرف می‌زند		
قبول نداشتن گفته و رفتار خود	کسانی که شهادت ندارند حرف دلشان را روبروی فرد بزنند		
کسانی که جلوی رو به به و چه چه می‌کنند و پشت سر آدم دروغ بگویند و تهمت بزنند	کسانی که حریم مردم را به هم می‌زنند		

## علل و شرایط ایجاد دورویی

### شرایط زمینه ساز (علی)

شرایط زمینه ساز علی به مقوله‌هایی اشاره دارد که مقوله اصلی را متأثر می‌سازند و موجب وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌گردند. درواقع آنها مؤلفه‌هایی هستند که خواسته یا ناخواسته، بستر اصلی نفاق و رفتارهای متظاهرانه را تشکیل داده‌اند. مقوله‌های کشف شده در این قسمت؛ « دلایل فرهنگی - اجتماعی » و « دلایل روانشناختی » می‌باشند که در مطالب ذیل عنوان می‌شوند.

### دلایل فرهنگی - اجتماعی :

منظور از دلایل فرهنگی - اجتماعی در اینجا، طبقه اجتماعی، سبک زندگی و نحوه جامعه‌پذیری افراد در درون و بیرون خانواده و اعتقادات مذهبی آنها است. این مؤلفه‌ها شامل مفاهیمی چون: نوع جامعه‌پذیری، بنیان سست خانواده، دین‌گریزی بخشی از جامعه می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

### نوع جامعه‌پذیری

اغلب افراد جامعه‌پذیری ناقص کودکان در درون خانواده را از مهمترین دلایل بروز دورویی در جامعه می‌دانستند:

"وقتی کودک در خانواده خودش صداقت رو نمی‌بینه، مثلاً وقتی کودک در کنار مادرش می‌بینه که مادر در حضور کسی که ازش بدگویی می‌کنه، شروع می‌کنه تعریف کردن. یعنی یکی از عوامل اصلی و مؤثر در این روند دورویی متأسفانه روندیه که در جامعه‌پذیری به افراد منتقل شده « صادق، ۵۴ ساله).

بعضی دیگر حتی آنرا نوعی میراث ژنتیکی در نظر می‌گرفتند که از طریق انتقال بین نسلی صورت اتفاق افتاده است:

"به نظر من بعضی وقتا ژنه، باور کن به ژن هم برمیگرده. من آدم دورو دیدم که باباش دوروئه، خودش دوروئه، پدربزرگش دوروئه...  
یه بار بابام برگشت گفت سارا اینا ژناشون این جوریه، گفت اینا نسل در نسل همین شکلین" (سارا، ۳۶ ساله)

به نظر برخی از افراد، این خصیصه اخلاقی در اثر جامعه‌پذیری تبدیل به یک عادت برای فرد شده و فرد برای این کار خود دلیل مشخصی ندارد.

"فکر می‌کنم یه جور مریضیه. آدم مریضش بشه دیگه نمی‌تونه ترکش کنه. دیگه نمی‌تونه شفا پیدا کنه. دیگه عادت کرده، باید اون کار انجام بده. چه حالا با داداشش، چه با رفیقش، چه با همسرش، با همه کس. باید اینکارو انجام بده" (حسین، ۲۳ ساله)

برخی دیگر جامعه پذیری از طریق معاشرت با دوستان را زمینه ساز دورویی می دانند:

"اگه بیایم تو جامعه، مثلاً دوستهایی هم داشته باشن که دو رو باشن، اونا هم تأثیر میزازه روی رفتار آدمها" (سمیرا، ۲۵ ساله)

### ضعف باورهای دینی

برخی از افراد، ضعف ایمان، دین گریزی برخی از مردم، خوف نداشتن از خدا و باور نکردن مرگ را از دلایل دورویی در سطح جامعه می دانستند. یادآوری مرگ و باور به اجتناب ناپذیر بودن آن و اعتقاد داشتن به سرنوشت نهایی انسان می تواند به افراد کمک نماید تا برای رسیدن به مقاصد دنیوی، کمتر در دام خصایل اخلاقی مذموم همچون تظاهر و دورویی بیفتند.

"اگه آدم بدانه که آخرشو راهشو و آخرش چیه. هیچ وقت نه دورویی میکنه نه دنباله کسی حرف میزنه. اگه بدانه آخر عاقبت انسانها به کجا می رسه هیچ وقت این کارو نمی کنه. مثلاً حالا همین داماد من... اگر بدانه مردن هست هیچ وقت دنباله این حرفا نمیره. من میگم اینا غافلند، غافل از مرگن آدم اگه بدانه مرگ جلو چشمشه، مرگ حقه، هر ثانیه هست، هیچ وقت این کارو نمی کنه" (طاهره، ۶۴ ساله)

### دلایل فردی - روانشناختی

#### مقوله اصلی: جلب توجه و نیاز به تایید

منظور از دلایل فردی - روانشناختی در اینجا، شخصیت افراد و مشکلات زیستی - روانی که با آن درگیر هستند، می باشد که شامل مفاهیمی همچون اختلال شخصیت، ویژگی های شخصیتی و بیماری روحی - روانی است که در مطالب ذیل به آنها اشاره می شود. از این منظر دورویی، یک رفتار شخصی است و از متغیرهای محیطی تأثیر نمی پذیرد.

برخی از افراد، تظاهر و دورویی را مربوط به اختلال شخصیت می دانستند. ویژگی اصلی این اختلال، رفتار توجه طلبانه و هیجان پذیری «مفرط و فراگیر» و همرنگی با دیگران است. این الگو معمولاً در اوایل بزرگسالی و در زمینه های گوناگون ظاهر می شود.

"به شخصیتش دیگه. من میگم مشکل داره. به نظر من این جور آدمها مشکل شخصیتی دارن تو خانوادشون... وقتی تو جمعی قرار می گیری بسته به شرایطی که اون جمع داره صحبت می کنی و رفتار می کنی که توجه اون جمع رو به خودش جلب کنه. مثلاً تو یه جمع مذهبی قرار می گیری شبیه اونا میشی و میری تو یه جمع غیرمذهبی باز شبیه اونا میشی. من میگم این آدمها اختلال شخصیت دارن" (ریحانه، ۳۵ ساله)

برخی از افراد تأیید طلبی و خودنمایی (جلب توجه) را دلیل دورویی در جامعه می‌دانستند، که این خودنمایی نیز خود معلول اختلال شخصیت نمایشی است.

"می‌خوان تأیید بشن یا خودشون رو نشون بدن و اون لحظه می‌خوان تأیید اون جمعی که توش قرار گرفتن رو داشته باشن و مورد توجه قرار بگیرن. مثلاً این خانومی که گفتم به نظر من می‌خواد توجه بقیه رو به خودش جلب کنه و باهاشون هم کلام بشه و شاید چون فکر می‌کنه بعضی از اون خانوم‌ها وضع مالی خوبی دارن می‌خواد خودشو مثل اونا نشون بده" (ریحانه، ۳۵ ساله)

برخی نیز خودشیرینی را دلیل اصلی دورویی افراد در جامعه می‌دانستند. از دید این افراد شخص خودشیرین ممکن است هیچ منفعت مالی از این کار خود نبرد و فقط به خاطر جلب توجه اقدام به این عمل نماید.

"یه سری‌ها هستن برای خود شیرینی اینکارو میکنن هیچ منافع مالی شاید بهش نرسه، فقط می‌خوان خودشیرینی کنن که خودشونو بالاتر قرار بدن که منم هستم، اینجا به منم توجه کنید. منم این وسط هستم برای شیرین کاری، برای اینکه خودشو نشون بده، یا خودشو خوب جلوه بده" (رضا، ۳۸ ساله)

برخی بر این عقیده‌اند که دورویی ناشی از کمبود محبت و نیازی است که این افراد برای پذیرش محبت از سوی دیگران دارند.

"مثلاً این مثال دومی که زدم کمبود عاطفی داشت می‌خواست روحیه‌اش رو ارضا کنه از نظر عاطفی به خواستش رسید و بعد رفت سراغ یه شخص دیگه" (امید، ۲۲ ساله)

برخی نداشتن اعتماد به نفس را از علت‌های دورویی می‌دانستند و بر این باور بودند که اشخاصی که دارای شخصیت قدرتمندی باشند به راحتی و بسته به موقعیت‌های متفاوت، دست از باورهای خود نمی‌کشند و تغییر موضع نمی‌دهند.

"آدم‌های دورو عزت نفس ندارن و دائماً به دنبال این هستن که پذیرفته به شن یعنی تأیید گرفتن و نظر همه براشون مهمه. شخصیت مستقل ندارن عزت نفس ندارن. اگر کسی واقعاً یه شخصیت قدرتمندی داشته باشه روی باورها و سبک زندگی که داره میمونه و نظرش هر جایی تغییر نمیکنه" (راجله، ۳۲ ساله)

برخی نیز دلیل دورویی و ظاهرسازی در جامعه را داشتن رودربایستی و نبود منطق در روابط بین افراد می‌دانستند:

خیلی وقتاً مثلاً خیلی رو در بایستی داریم با همدیگه" (راجله، ۳۲ ساله)

**شرایط مقوم و تسهیل کننده**

شرایط مداخله‌گر بیانگر مؤلفه‌هایی هستند که جریان دورویی در جامعه را تقویت و تسریع نموده‌اند. این شرایط به شرایط عمومی یا ساختارهایی اشاره دارند که بر راهبردهای کنش و واکنش اثر گذارند. به عبارتی راهبردها را درون زمینه خاصی، سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. این شرایط تسهیل‌کننده دارای سه مقوله عمده تحت عناوین؛ «دلایل اقتصادی»، «دلایل سیاسی» و «دلایل فرهنگی - اجتماعی» می‌باشد که در ادامه به بیان آنها پرداخته می‌شود.

گاهی انسان بخاطر کسب منفعت مالی و یا دفع ضرر از خود، تظاهر و خودنمایی و ریا می‌کند. گاهی نیز، این تظاهر بخاطر غفلت از استعدادهای بالفعل و بالقوه، و فزون خواهی و هوای نفس پدید می‌آید.

"اونا به سری‌هاشون فقط بخاطر منافع مالیشونه، برای آسایش خودشون، برادرای دیگه رو قربانی میکنن" (رضا، ۳۸ ساله)

"یه مقداری حریص‌اند. برای مال دنیا. بیشترش دور محور مال دنیا و تنگنا بودنشه. (مصطفی، ۶۱ ساله)

منظور از دلایل ساختاری - سیاسی در اینجا، نظام حاکم بر جامعه و قوانین‌گزینش ادارات و سازمان‌های دولتی هستند که باعث تشدید روند دورویی و رفتارهای ریاکارانه در سطح جامعه می‌شوند.

افراد شاغل در مراکز دولتی به ساختارهای حکومت، به‌عنوان دلیل اصلی رواج دورویی در جامعه اشاره کرده‌اند.

"سیستم بسته و فاسد، ساختار حکومت... به خاطر این سیستم فاسد، چاره‌ای نداره این اداها رو در بیاره که پست بگیره، ارتقاء بگیره" (پوریا، ۳۳ ساله)

می‌توان ریشه این مشکل را در قوانین حاکم بر جامعه نیز پیدا کرد. وقتی در جامعه برای کارگزینی، انتصاب بر انتخاب اولویت پیدا می‌کند، افراد جامعه مجبور به آرایش زبانی و اخلاقی و حتی فیزیکی طبق خواسته هدفشان می‌شوند

خوب وقتی گزینش ایجاد بشه بالطبع فرد برای اینکه بتونه جذب بشه، برای اینکه بتونه ادامه همکاری پیدا بکنه ناچاره خودش رو اونجوری نشون بده که اون سازمان می‌خواد. و فکر و نگاه خودش رو بروز نمیده و این باعث شده که در جامعه ما این شخصیت‌های دوگانه و چندگانه رو، رو به وفور می‌بینیم و این متأسفانه از اشکالات ساختاری جامعه ماست" (صادق، ۵۴ ساله)

جامعه بسته سبب ایجاد ترس و ترس سبب مخفی کاری، دروغ‌گویی و دورویی در جامعه به شکل سیستماتیزه می‌شود. تا جایی که "بودن و نبودن" آحاد جامعه به آن گره می‌خورد و با گذر زمان احساس زشتی و گناه ناشی از دورویی می‌ریزد و در نهایت تبدیل به قانون می‌شود. در واقع وقتی افراد جامعه، از امری احساس خطر

می‌کنند، خود و عقایدشان را پنهان می‌سازند. در واقع می‌توانیم بگوییم نفاق و دورویی هم نوعی پنهان شدن است یا پنهان کردن حقیقت، به دلیل ترس و وحشت از کسی یا چیزی.

"ترس از خیلی چیزها، از دست دادن موقعیتشان، خشونت، الان تو این جامعه کی میتونه خودشو کافر بدونه، نشون بده بگه من اعتقادی ندارم. مجبوره نظاهر کنه دیگه" (پوریا، ۳۳ ساله)

از دلایل مداخله گر فرهنگی و اجتماعی می‌توان به اجبار فرهنگی و دینی اشاره کرد.

فرهنگ ما به نظرم اصلاً اینو ایجاب میکنه اصلاً فرهنگ ایجاد کرده که دورویی باشه. چون هرکسی که اینجا راحت نمی‌تونه که هر نظری داشته باشه هر دینی داشته باشه، هر طرز فکری داشته باشه، هر رابطه‌ای داشته باشه. پس به خاطر این دورویی خیلی زیاده. فرهنگ ما شدیداً اینو ایجاب کرده، مال الانم نیست از خیلی گذشته بوده" (پوریا، ۳۳ ساله)

"اینایی که خودشون رو سران دین میدونن، همه چیز رو بدن، میان دورویی و صدرویی انجام میدن. منم میگم شاید اصلاً دینی نیست اینا دارن دروغ میگن، شاید اصلاً اینطور چیزی وجود نداره اینا دکان بازار درست کردن برای سرکیسه کردن مردم یا میخوان جایگاه خودشون رو سفت کنن" (رضا، ۳۸ ساله)

### شرایط زمینه‌ای

در این بخش منظور از شرایط زمینه‌ای، سلسله خصوصیات و بسترهای ویژه‌ای است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند. از زمینه‌های بروز دورویی می‌توان به جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن و شغل افراد اشاره کرد. وقتی از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شد که دورویی را در بین زنان و مردان چگونه دیده‌اند، اکثر آنان بر این عقیده بودند که دورویی در بین زنان شایع‌تر از مردان است.

"اگه از نظر درصدی بخوایم حساب کنیم شاید بگم تو زنها ۸۰ درصد تو مردها ۲۰ درصد" (فریبا، ۵۰ ساله)

"چون مردا معمولاً حوصله این چیزارو ندارن مگه اینکه خیلی خاله زنک باشن خیلی نه حوصله‌اش رو دارن، نه وقتش رو که بخوان درگیر اینطور چیزا بشن. خیلی کم پیش میاد به نظرم بیشتر خانوم‌ها اینطوری هستن" (فاطمه، ۳۴ ساله)

باید خاطر نشان کرد که اغلب دورویی در میان زنان در میان اقوام سببی آنها اتفاق می‌افتد. به طوری که، وقتی از مشارکت‌کنندگان خانم خواسته می‌شد که مثالی از افراد دورو که با آن مواجه شده‌اند بزنند اغلب آنها مثال‌هایی از اقوام سببی خود همچون؛ خواهرشوهر، مادرشوهر و جاری خود می‌زدند.

مشارکت‌کنندگان وجود دورویی در همه طبقات را تأیید می‌کردند. از دید آنها دورویی در تمام طبقات اجتماعی دیده می‌شود، شاید نوع و میزان دورویی در طبقات مختلف، متفاوت باشد. برخی نیز بر این باور بودند که دورویی به شخصیت افراد و همچنین به سودجویی آنان مربوط می‌شود و ربطی به طبقه اجتماعی ندارد.

"تو همه طبقات هست، اینجور آدم‌ها تو همه طبقات هستن چه ضعیف، چه قوی و چه متوسط. چون اونم به مرحله خودش هست دیگه" (رضا، ۳۸ ساله)

من اصلاً اونجوری فکر نمی‌کنم، اصلاً هرکی اخلاق داشته باشه، فهم و شعور داشته باشه، ربطی به بالای شهر و پایین شهری نداره، به روستایی و شهری نداره، من اینجوری فکر می‌کنم نمی‌دانم مانده به فهم و شعور آدم خودش" (راضیه، ۴۱ ساله)

نگرش افراد تحصیلکرده درباره تأثیر تحصیلات بر دورویی افراد، متغیر بود. برخی بر این عقیده بودند که تحصیلات تأثیری بر روی دورویی اشخاص ندارد بلکه این موضوع به شخصیت، تربیت خانوادگی و یا سودجویی آنان باز می‌گردد. و برخی از آنان بر این باور بودند که ممکن است که تحصیلات بالاتر تأثیر منفی بر روی صفات اخلاقی افراد گذاشته و میزان تظاهر و دورویی آنان را افزایش داده و موجب تشدید آن شود.

"فکر نکنم ربطی داشته باشه البته ممکنه آدمای تحصیلکرده خوب بهتر بتونن حفظ ظاهر کنن و شخصیت واقعیشونو مخفی نگه‌دارن" (مجید، ۵۲ ساله)

اکثر افراد ادعان می‌کردند که دورویی به شغل آدمها مرتبط نیست و در تمام مشاغل دیده می‌شود. پس می‌توان گفت دورویی، دارای مکان، زمان، اندازه و شکل و شرط مشخصی نیست و به فراخور موقعیت در تمامی مشاغل دیده می‌شود.

"اونم فکر نمی‌کنم فرقی داشته باشه کسی که پزشک باشه ممکنه دورو باشه کسی هم که یه مغازه دار ساده باشه یا حتی کارگر باشه، واقعا همه میشه دورو باشن. ولی مدلش فقط فرق داره یه جورایی مدل برون دادش فرق می‌کنه" (فاطمه، ۳۴ ساله)

اغلب افراد نوجوانان را مبراً از این خصیصه می‌دانستند. برخی افراد دلیل دورویی و تظاهر نوجوانان را برای جلب توجه می‌دانستند.

"برای نوجوان‌ها، زیر ۲۰ سال اکثراً برای جلب توجه و خوش گذرونی اینکارو میکنن" (رضا، ۳۸ ساله)

اکثر افراد بر این باور بودند که دورویی در جوانان به نسبت سایر سنین، بیشتر مشهود است و این خصیصه را به منفعت‌طلبی و سودجویی و بی‌تجربگی آنان نسبت می‌دادند.



"آره. سنين جوانتر بيشتره اين مسئله... جوانها تجربه كافي زندگي رو ندارن. تجربه اينو ندارن كه مثلاً چرا ما بايد اينكارو بكنيم." (عيسى، ۶۵ ساله)

برخی از ساكنين مناطق پايين براي باور بودند كه دورويي در همه سنين وجود دارد و شايد در كهنسالي، بيشتر از ساير سنين نيز باشد و برخی به دليل نزديكي به مرگ آن را كمتر مي دانستند.

### فرايندها: راهبردها

راهبردها به اقدامات و تعاملات ويژه‌اي كه از پديده اصلي حاصل مي‌شوند، اشاره دارند. درواقع راهبردها به شيوه‌هاي مديريت مواجهه با دورويي و تظاهر توسط اعضاي جامعه و نحوه سازگاري با آن اشاره مي‌كنند. به‌عبارتي افراد جامعه چه واكنش‌هايي در برابر پديده دورويي از خود نشان مي‌دهند و چگونه خود را با اين مسئله وفق مي‌دهند و سازگار مي‌نمايند. بنابر اين در اين قسمت، از مشاركت‌كنندگان پرسيده مي‌شد كه آنها چگونه متوجه دورويي اطرافيان خود مي‌شوند و چه واكنشي درقبال آن از خود نشان مي‌دهند.

در پاسخ به بخش اول سؤال افراد به مواردی چون؛ سخن‌چيني اطرافيان، معاشرت بيشتر، و ظاهر و اخلاق اشخاص و داشتن آشنائي قبلي با خانواده شخص اشاره مي‌کردند:

"بالاخره به گوش آدم مي‌رسونن. من خودم كه متوجه نمي‌شم" (حسين، ۲۳ ساله)

همچنين اكثر افراد براي عقیده بودند كه گذر زمان و معاشرت بيشتر باعث مي‌شود كه متوجه دورويي و تضاد ظاهر و باطن اطرافيان خود شوند. اين امر حاكي از اين است كه انسان‌ها نمي‌توانند به مدت طولاني نقش بازي كنند و طی مراودات بيشتر شخصيت واقعي خود را بروز مي‌دهند.

"خب آدم يه روز حرف ميزنه مي‌فهمه ديگه. بار اول نمي‌فهمه، بار دوم مي‌فهمه. (اکرم، ۴۷ ساله)

"با رفت و آمد. با هاشون بيشتر كه باشي مشخص ميشه دورو هستن" (سميرا، ۲۵ ساله)

برخی نيز معتقد بودند كه از روی ظاهر افراد مي‌توانند پي به دورويي آنها ببرند.

"واقعيتهش چهره بعضي از افراد ناخودآگاه نشون ميده يا نوع ادبيات و چهره فرد. و نوع صحبت كردنش تقريباً نشون ميده. آدم‌هايي كه خيلي تملق مي‌كنن. در تعريف كردن زياده‌روي مي‌كنن، مبالغه مي‌كنن من احساس مي‌كنم كه اينها صداقت ندارن" (صادق، ۵۴ ساله)

برخی معتقد بودند که کسانی که اغلب پشت سر دیگران اقدام به بدگویی می کنند بدون شک پشت سر آنها نیز این کار را خواهند کرد. پس درمقابل این افراد بیشتر احتیاط می نمایند.

"خودم متوجه میشم بعضی موقع ها، چرا؟! زمانی متوجه میشم که حرف دیگران رو پیش من میزنن. اون موقع متوجه میشم که این آدم اخلاکش چجوریه. میدونم که اگه پشت سر یکی دیگه پیش من حرف میزنه صد در صد حرف منو پیش دیگران میزنه (رضا، ۳۸ ساله)

خانواده نیز گاهی می تواند ملاک خوبی برای ارزیابی افراد باشد. چراکه محیط زندگی و کسانی که شخص به نوعی با آنها بزرگ شده است می تواند تأثیرات قابل توجهی بر روی افراد بگذارد.

"... یا اینکه خانواده اش رو آدم بشناسه. من خانواده خیلی برام مهمه. وقتی بینم کسی که پدرش، مادرش، برادرش و اطرافیانش اینطوریه من در برخورد با این آدم احتیاط می کنم و با حالت احتیاطی برخورد می کنم تا به مشکل برخورد" (مجید، ۵۲ ساله)

### واکنش افراد در برابر دورویی

در این قسمت به بیان واکنش های متفاوت افراد نسبت به دورویی اطرافیان خود و نحوه مواجهه آنان با این مسئله، می پردازیم. لازم به ذکر است، واکنش افراد به این موضوع، بسته به طبقه اجتماعی، تحصیلات، سن، شغل و اعتقادات مذهبی آنان متفاوت بود. می توان ادعا کرد راهبردهای افراد درقبال دورویی، بسته به موقعیت خود شخص و فرد دورو متفاوت است. مشارکت کنندگان به مواردی چون؛ قطع رابطه، احتیاط و ایجاد فاصله، تدرک به فرد دورو، گذشت و نادیده گرفتن رفتار اشاره می کردند:

"من ادامه نمیدم، هر کی باشه، حتی فامیل نزدیک. رابطه ام رو قطع می کنم. من اصلاً از آدم دو رو خوشم نمی یاد" (عباس، ۳۶ ساله)

در رابطه با مواجهه با افراد دورو، برخی دیگر از افراد اذعان می کردند که در صورت مشاهده دورویی از اطرافیان خود، از آنها فاصله می گیرند و جانب احتیاط را نگاه می دارند. این افراد اذعان می کردند که در کل اهل قطع رابطه با هیچ کس نیستند.

"واقعاً سعی می کنم یکم دوری کنم ازش. سعی می کنم فاصله بگیرم. چون وقتی می بینم یه نفر هست که تو روی من یه جوهره، ولی پشت سر من علیه اونه. (فاطمه، ۳۴ ساله)

"رابطه ام رو اگه بتونم قطعش می کنم. اگر نتونم احتیاط می کنم. خیلی احتیاط میکنم، هر حرفی رو پیشش نمی زنم. .. فامیل باشه در همین سطحه، غریبه باشه که سعی می کنم اصلاً بترم باهاش" (رضا، ۳۸ ساله)

اکثر افراد شاغل در مراکز دولتی، بر این عقیده بودند که واکنش آنها در برابر فرد دورو بستگی به رابطه و درجه نزدیکی وی با آنها دارد. به نظر می‌رسد، این افراد به نسبت بقیه، راحت‌تر می‌توانند از این مسئله، چشم‌پوشی کنند و با آن کنار بیایند. شاید آنها دیگران را نیز مانند خود ناچار به این کار می‌بینند و نسبت به آنها بیشتر اغماض می‌کنند. این موضوع می‌تواند به این علت باشد که به علت شیوع این عمل در جامعه، به نوعی این افراد، با افزایش سن با این قضیه کنار آمده‌اند و حساسیت آنها نسبت به قضیه از میان رفته است و کمتر نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند.

"مثلاً همین تظاهر قشر کارمندی. تظاهر این‌ها به ظواهر دینی و اخلاقی و چیزهایی که نیستن و شرکت در مراسم مختلف صرفاً برای اینکه تو اداره بهشون گفتن. یک بخش اینه که تقریباً پذیرفته شده است. دیگه اینو خیلی بد نمی‌دونیم. مثلاً من خودم این رو بد نمی‌دونم. می‌دونم که دست خودش نیست" (راجله، ۳۳ ساله)

برخی از مشارکت‌کنندگان جوان این پژوهش، معتقد بودند که وقتی متوجه دورویی کسی می‌شوند، اعتمادشان را هم نسبت به آن شخص و هم دیگران از دست می‌دهند و دیگر نمی‌توانند به راحتی به کسی اعتماد کنند.

"خوب اعتمادمون هم به اون طرف و هم نسبت به بقیه کمتر میشه. و دیگه سخت‌تر به مردم اعتماد می‌کنم" (سمیرا، ۲۵ ساله)

برخی از افراد، نیز اذعان می‌کردند که سعی می‌کنند این گونه اشخاص را مورد راهنمایی مستقیم و یا غیرمستقیم قرار دهند،

"میخوام بهش بگم ولی هی میگم بگم نگم، بعد میگم بابا چرا خودمو خراب کنم هی غیرمستقیم براش مثال می‌زنم که از این اخلاقی دست بکشه. غیر مستقیم بهش میگم بابا جان خدایی هم وجود داره، آدم نباید خوبی کسی رو بزاره بدشو بگه. ( صدیقه، ۴۲ ساله)

## پیامدهای دورویی

دورویی و تظاهر بالاتبع دارای آثار و پیامدهایی، چه در سطوح فردی و چه سطوح اجتماعی می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان به این موارد اشاره کرده‌اند:

احساس تنهایی و منزوی شدن، ایجاد ناامنی ذهنی، افزایش استرس و اضطراب، عدم رضایت از خود، از بین رفتن صداقت، از بین رفتن شادی، رواج بی‌اعتمادی، تزلزل ارزش‌ها، پرورش دورویی در کودکان، از هم پاشیدن خانواده، اشاعهٔ دروغ‌گویی، ایجاد نفرت، کینه و دشمنی، بروز اختلاف و ناراحتی، افزایش بدبینی و سلب آرامش،

از میان رفتن رابطه‌ها و جدایی افراد، از بین رفتن اخلاق در جامعه، افزایش بی‌مهری در جامعه، ضعف همکاری و فرار از مسئولیت، تبعیض و در کل پسرفت جامعه

"الان تمام مردم نسبت به همدیگه بد بینن. نسبت به جامعه: بد بینن. نسبت به حتی روحانی... به همه بدبینن. فقط به خاطر دورویی. جامعه ما به فساد کشیده شده. واقعاً هیچ کس قبول نداره جامعه رو" (طاهره، ۶۴ ساله)

## بحث و نتیجه گیری

کالبد شکافی در رفتارهای بشری و یافتن دلایل رفتارها همیشه در حیطه کنجکاوی دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. تظاهر و دورویی از جمله رفتارهایی است که علاقه اندیشمندان را بخود جلب کرده است. چرایی و دلایل آن و شرایط مقوم آن در حوزه سازمانها مورد بررسی بوده است اما در جامعه و بین مردم توجه کمی بدان شده است. این پژوهش با این هدف طراحی و اجرا شده است. سوال در مورد دلایل، زمینه‌ها و بسترها، راهبردها و پیامدها در میان مردم از اهداف این پژوهش بوده اند. با استفاده از روش کیفی و با مصاحبه باز، سعی شده است تا مسیر بروز و پیامدهای این ناهنجاری بررسی شود. براساس یافته‌ها، مشخص شده است که مجموعه‌ای از دلایل فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی در این زمینه به عنوان بستر و شرایط اصلی عمل می‌کنند. بنیان سست خانواده، دین‌گریزی، نوع جامعه‌پذیری از جمله دلایل فرهنگی و اجتماعی مورد اشاره می‌باشد. برخی دیگر این پدیده را به ژنتیک و وراثت ارتباط داده اند. اما در حوزه فردی، شخصیت و اختلالات شخصیتی و دلایلی چون نیاز به تایید و جلب توجه، خودشیروینی، کمبود عاطفی، نداشتن اعتماد به نفس، رو در بایستی جزء مواردی بوده اند که مورد اشاره بوده است. از جمله شرایط مقوم این پدیده، نفع مالی و دفع ضرر اقتصادی و فزون خواهی اتفاق می‌افتد.

نظام حاکم بر جامعه و قوانین‌گزینش از جمله دلایلی ساختاری - سیاسی است که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره بوده است. بر اساس این دسته‌بندی، ساختارهای جامعه افراد را وارد مسیر دورویی و تظاهر می‌کنند و در بسیاری موارد افراد مجبور به این امر می‌شوند تا منافع اقتصادی و سیاسی خود را بدست آورند. این ساختارها با ایجاد ترس در افراد باعث مخفی‌کاری در آنان می‌شود. در برخی موارد اجبار ساختارهای دینی و فرهنگی نیز دامن‌زننده و تشدیدکننده این موضوع است.

نحوه تشخیص دورویی و راههای مواجهه با آن نیز متنوع است. معاشرت بیشتر، سخن‌چینی دیگران، ظاهر و سابقه‌آشنایی با فرد و خانواده از جمله این راهها هستند. قطع رابطه، احتیاط و ایجاد فاصله، تذکر به فرد دورو، گذشت و نادیده‌گرفتن رفتار از واکنش‌های مردم در قبال این نوع رفتار است.

طیف بسیار وسیعی از پیامدهای منفی بر تظاهر افراد مترتب است که خود هم پیامدهای فردی و هم پیامدهای اجتماعی را شامل می شود. احساس تنهایی، استرس، نارضایتی از خود، ناشادی، بی اعتمادی، اشاعه دروغگویی، ایجاد کینه و نفرت، تبعیض و پسرفت جامعه از این دسته پیامدها هستند.

با توجه به آنچه که گفته شد می توان دورویی و تظاهر را در دو دسته کلی تظاهر عامل محور و تظاهر ساختار محور قرار داد. هسته اصلی اغلب مباحث مطرح شده در این حوزه هم می تواند احساس کمبودها و خلاها در سطح فردی و جامعه باشد. ردپای نفع طلبی های شخصی در این حوزه مشهود است. به نظر می رسد تئوری های اقتصادی نفع و مبادله در این زمینه کاربرد بیشتری داشته باشند.

در زمینه کاهش دورویی بهتر است مداخلاتی در سطح فردی و گروهی و اجتماعی صورت پذیرد. روانشناسان و روان درمان گران، افراد دارای این نوع تیپ شخصیتی را شناسایی و با ارائه مشاوره های درمانی به درمان این اختلال بپردازند. ساختارهای جامعه، ترس و احساس نا امنی روانی را در افراد کمتر نموده و اجبارهای سیاسی و دینی و فرهنگی در آنها کمتر شوند و نقش اختیار افراد در انتخاب ها بیشتر و پررنگ تر شود. قوانین گزینش که افراد را ترسانده و باعث تقویت دورویی می شوند شناسایی و اصلاح شوند. خانواده ها در جامعه پذیر کردن کودکان خود در این زمینه نهایت دقت را به عمل آورند. نفع های اقتصادی و سیاسی حاصل از مخفی کاری کمتر و شود. پاداش شفافیت و یکرویی به شکلی ملموس بیشتر شوند. رودرآبستگی در راهبردهای مقابله باید به حداقل برسند و جامعه و افراد واکنش تنبیهی متناسبی برای کنار گذاشتن این رفتار تدارک ببینند. این راهبرها از حالت انفعال به شکل فعال ولی متناسب به موقعیت و شخصت افراد طراحی گردند.

بر اساس جمع بندی فوق، مدل نهایی برآمده از این پژوهش به شکل زیر است:

## عوامل (شرایط) علی

عوامل فرهنگی - اجتماعی (تربیت خانوادگی، بنیان سست خانواده، همالان)، عوامل روانشناختی (ویژگی های شخصیتی) مشکلات روحی و روانی

## شرایط زمینه ای

- طبقه اجتماعی افراد
- تحصیلات افراد
- وضعیت اشتغال افراد
- جنسیت
- سن

## عوامل مداخله گر

- عوامل فرهنگی - اجتماعی (اجبار فرهنگی، دینی، تضاد مسئولین)
- عوامل اقتصادی
- عوامل مرتبط با ساختار سیاسی

رفتارهای متظاهرانه

## راهبرد:

قطع رابطه، حفظ فاصله و رعایت احتیاط، گذشت کردن، نادیده گرفتن رفتار، تذکر به شخص خاطی، پذیرش رفتارهای متظاهرانه ساختار محور

## پیامد:

بی اعتمادی، کاهش سرمایه اجتماعی، استرس و اضطراب، افسردگی، انزوا، افزایش دشمنی، بدبینی، کدورت، آموزش دورویی به بچه ها، ناراحتی، از بین رفتن روابط، از بین رفتن آرامش و مهر و محبت، از هم پاشیدن خانواده ها، نا امنی فکری، تزلزل ارزش ها، ضعف همکاری، تبعیض، از زیر کار در رفتن، عدم مسئولیت ندهی، تقلب، فساد جامعه، سب و نفرت جامعه

## منابع

- جوادی یگانه، محمد رضا ۱۳۹۵ یافته های پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان؛ موج سوم (۱۳۹۴) طرح ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرحهای ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رضازاده برفویی، حمید؛ مرتضوی، سعید؛ رحیم‌نیا، فریبرز، ۱۳۹۲، واکاوی پیش‌آیندهای فردی و موقعیتی مؤثر بر چاپلوسی و تأثیر آن بر پیشرفت شغلی کارکنان (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه مشهد)، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۲۵-۵.
- ریتزر، جرج، ۱۳۷۴، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ دوم.
- شیری، اردشیر؛ خلدشرفی، صبریه؛ دهقانی، مهدی؛ یاسینی، علی، ۱۳۹۴، بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و رفتارهای منافقانه با نقش میانجی رفتار ماکیاولی گرایانه مدیران در سازمان‌های دولتی شهر کرمانشاه، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمانهای دولتی، سال سوم، شماره یازدهم.
- صدیق سروستانی، رحمت ا...، ۱۳۹۰، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، ناشر: سمت، چاپ هفتم.
- قربانی، اسماعیل؛ فیض‌آبادی، حسین، ۱۳۹۳، واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی خراسان، سال اول، شماره سوم، ص ۱۲۰-۹۷.
- گودرزی، محسن، ۱۳۸۲، پیمایش ارزشها و نگرشهای ایرانیان (موج دوم)، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محبی ، سیده فاطمه ۱۳۹۹ تبیین جامعه شناختی فریب در تعاملات اجتماعی، رساله دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی- بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی ، واحد تهران مرکز
- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۰، «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- معیدفر، سعید؛ صفری، فاطمه، ۱۳۹۷، تعارضات هنجاری منجر به ریاکاری به روایت سینما، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دورل ۹، شماره ۱، ص ۱۴۲ - ۱۲۱.
- هادوی نژاد، مصطفی، بهارلویی، الهه، ۱۳۹۴، رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان: پیشایندها و پیامدهای سازمانی، مجله مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، دوره ۷، شماره ۲، ص ۴۱۲-۳۹۳.
- هادوی نژاد، مصطفی؛ دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل؛ خائف الهی، احمد، ۱۳۸۹، کاوش فرایند رفتارهای منافقانه در ارتباطات بین فردی در سازمان با استفاده از نظریه داده بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی، سال چهارم، شماره اول، ص ۸۱-۱۳۰.
- هادوی نژاد، مصطفی؛ عبادی، فاطمه (۱۳۹۳) نفاق مدیریت ارشد مدیریت و مقاومت کارکنان در برابر تغییر ، تبیین نقش میانجی اعتماد به مدیریت ارشد سازمان ، پژوهش نامه مدیریت تحول، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان
- هارولامبوس، ۱۳۷۰، «تئوریهای انحراف» ، ترجمه امان.. صوفی، مجله رشد علوم اجتماعی، تهران.

- Alicke, Mark; Gordon, Ellen & Rose, David (2012) Hypocrisy: What counts? Philosophical Psychology, Volume 26, Issue 5 DOI:10.1080/09515089.2012.677397



- Brunsson, N. (1989). *The organization of hypocrisy: Talk, decisions, and actions in organizations*, New York: John Wiley & Sons.
- Burgoon, J. K., & Buller, D. B. (2016) *Interpersonal Deception Theory*, *The International Encyclopedia of Interpersonal Communication*, First Edition, Edited by Charles R. Berger and Michael E. Roloff. , John Wiley & Sons, Inc. Published 2016 by John Wiley & Sons, Inc. DOI:10.1002/9781118540190.wbeic0170
- Burgoon, J. K., & Buller, D. B. (2015) *Interpersonal Deception Theory*, To appear in J. Seiter & R. Gass (Eds.), *Readings in Persuasion, Social Influence, and Compliance Gaining*, Allyn & Bacon.
- Caviola, Lucius ; Faulmüller, Nadira (2014) *Moral hypocrisy in economic games: how prosocial behavior is shaped by social expectations*, *OPINION ARTICLE*, Volume 5, Article 897, doi: 10.3389/fpsyg.2014.00897
- Cheng, J. L. (1983). *Organizational context and upward influences: an experimental study of the use of power tactics*. *Group and Organizational Studies*, 8, 332-335.
- Fernandez-Revuelta Perez, L., and Robson, K. (1999). *Ritual legitimation, decoupling and the budgetary process: Managing organizational hypocrisies in a multinational company*. *Management Accounting Research*, 10, 384-407.
- Christensen, Lars Thøger; Morsing, Mette; Thyssen, Ole (2020) *Timely hypocrisy? Hypocrisy temporalities in CSR communication*, *Journal of Business Research*, 114, 327–335
- Fointiat, Valérie (2007) *BEING TOGETHER IN A SITUATION OF INDUCED HYPOCRISY*, *CURRENT RESEARCH IN SOCIAL PSYCHOLOGY*, Volume 13, No. 12, <http://www.uiowa.edu/~grpproc/crisp/crisp.html>
- Gastner MT, Taka'cs K, Gulya's M, Szvetelszky Z, Oborny B (2019) *The impact of hypocrisy on opinion formation: A dynamic model*, *PLoS ONE* 14(6), <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0218729>
- Kacmar, K. M., Carlson, D. S., & Bratton, V. K. (2004). *Situational and dispositional factors as antecedents of ingratiation behaviors in organizational settings*. *Journal of Vocational Behavior*, 65, 309–331.
- Kenessey, Brendan de ; Darwall, Stephen (2014) *Moral Psychology as Accountability* In Justin D'Arms & Daniel Jacobson (eds.), *Moral Psychology and Human Agency*:

*Philosophical Essays on the Science of Ethics* (pp. 40-83). Oxford University Press.  
(Published under the name Brendan Dill)

- Kerr, S. (1993) . On The folly of rewarding A, while hoping for B. *Academy of Management Executive*, 9(1), 7-14.
- Kılıçoğlu, Gökhan & Kılıçoğlu ,Derya Yılmaz (2021) Understanding organizational hypocrisy in schools: the relationships between organizational legitimacy, ethical leadership, organizational hypocrisy and work-related outcomes, *International Journal of Leadership in Education , Theory and Practice , Volume 24, Issue 1*
- Lindenberg, Siegwart; Steg, Linda (2018) Moral hypocrisy and the hedonic shift: A goal-framing Approach, *Rationality and Society*, Vol. 30(4) 393– 419
- Linden, R. C., & Mitchell, T. R. (1988). Ingratiation behaviors in organizational settings. *Academy of Management Review*, 13, 572-587.
- Mark Alicke, Ellen Gordon & David Rose (2012): Hypocrisy: What counts?, *Philosophical Psychology*, DOI:10.1080/09515089.2012.677397 To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/09515089.2012.677397>
- Morrongiello, Barbara A ; Landa Mark (2008) "Practice what you preach": induced hypocrisy as an intervention strategy to reduce children's intentions to risk take on playgrounds, *J Pediatr Psychol*, Nov-Dec;33(10):1117-28. doi: 10.1093/jpepsy/jsn011.
- Rustichini, Aldo ; Villeval, Claire Marie (2014) Moral Hypocrisy, Power and Social Preferences, *Journal of Economic Behavior & Organization*, Volume 107, Part A, November, Pages 10-24
- Sean M. Laurent & Brian A. M. Clark (2011) What Makes Hypocrisy? Folk Definitions, Attitude/Behavior Combinations, Attitude Strength, and Private/Public Distinctions , *Basic and Applied Social Psychology* , Volume 41, Issue 2
- Schon, Donald and Argyris, Chris. 1992 *THEORY IN PRACTICE: increasing professional effectiveness*. San Francisco: Jossey Bass,.
- SCHWARTZ, SARAH ANN (2009) *EMPLOYING THE INDUCED HYPOCRISY PARADIGM TO ENCOURAGE NUTRITION ON COLLEGE CAMPUSES, A THESIS* submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree MASTER OF ARTS, Department of Communication Studies, Theatre, and Dance College of Arts and Sciences , KANSAS STATE UNIVERSITY, Manhattan, Kansas

- Wollschleger, Jason ; Beach, Lindsey (2011) A cucumber for a cow: A theoretical exploration of the causes and consequences of religious hypocrisy, *Rationality and Society*, vol. 23, issue 2, 155-174 . DOI: 10.1177/1043463111404673

## Qualitative study of hypocritical behavior among the people of Hamedan city

### Abstract

Culture in our society is as rich and wide as its study is poor and closed. There are hundreds of cultural and social lines whose scientific knowledge can help to solve the basic problems of our society. One of these lines is hypocritical psycho-social behavior. The concept of duplicity, whose semantic and practical scope is astonishing, despite its immoral appearance, has many functions. So that it forms one of the unbreakable links of our life chain. In this regard, this qualitative research was conducted with the ultimate goal of studying demonstrative behaviors among the people of Hamadan city and using the systematic design of grounded theory. For this purpose, while conducting an open interview with 24 residents of Hamedan city, a series of primary themes were collected during the open coding process, and from them, categories under the headings; "Cultural-social components", "psychological components", "economic components" and "structural-political components" were extracted; Then, in the central coding stage, the link between these categories under the headings; Causal conditions, strategies, intervening conditions, consequences and solutions to deal with demonstrative behaviors were determined in the form of coding. Next, in the selective coding stage, each component of the coding paradigm was explained, and two patterns of "agent-oriented demonstrative behaviors" and "structure-oriented demonstrative behaviors" were discovered. The results indicate that hypocrisy and hypocrisy on a wide level; Both individual and social exist in the society and this phenomenon is the product of unbalanced and sometimes conflicting family, environmental, educational, economic and political conditions. Also, according to the findings of the research, background conditions such as; Social class, education, gender and age of people have an effect on the incidence of hypocrisy and pretense. Such conditions create this negative and abnormal talent in a person to cultivate two and sometimes more than two opposite

personalities at the same time in order to achieve personal interests. Therefore, the source and origin of demonstrative behavior is the lack of proper socialization and the lack of transparency and gaps within the society regarding various issues, and until this foundation is removed, it seems impossible to eliminate hypocrisy in our society. This important thing requires the responsibility and effort of each member of the society and the officials of the system.

Grounded theory, hypocritical behavior, hypocrisy, agent-oriented hypocritical behaviors, structure-oriented hypocritical behaviors